

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



ترجمه درس:

به آن درخت دارای شاخه های تروتازه نگاه کن

چگونه از یک دانه رشد و چگونه به یک درخت شده است

پس جست وجو کن و بگو کیست این کسی که میوه را از آن بیرون می آورد

و به خورشیدی که پاره آتشش فروزان است نگاه کن

در آن روشنایی است و به واسطه آن گرمایی پراکنده منشر شده است

کیست این کسی که آن را در فضا همچون پاره آتش پدید آورده است

آن همان خدایی است که نعمت هایش ریزان است

صاحب دانایی کامل و نیرویی توانمند است

به شب نگاه کن پس چه کسی ماہش رادر آن پدید آورده است

و آن را با ستارگانی همچون مروارید های پراکنده شده زینت داد

و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را نازل کرده است

پس زمین را بعد از غبار آلدگی به وسیله آن سرسیز ساخت

و به انسان نگاه کن و بگو چه کسی بینایی اش را در او پدید آورده است

کیست این کسی که او را به نیروی اندیشه مجهز کرده است

آن همان خدایی است که نعمت هایش ریزان است

ترجمه حوار :

سلام برشما

سلام و رحمت و برکت های خداوند بر شما

برادرم صبح خیر

صبح به خیر و شادمانی

حالت چطور است

من خوبم تو چطوری

خوب خداروشکر

بیخشید اهل کجا هستی

من اهل جمهوری اسلامی ایران هستم

نامم عبدالرحمان است

نام حسین است و اسم شریف تو چیست

آیا تاکنون به ایران سفر کرده ای

نه مtasفانه اما دوس دارم سفر کنم

اگر خدا بخواهد ب امید دیدار بسلامت

اگر خدا بخواهد ب ایران سفر میکنی

در پناه و امان خدا دوست من

خداحافظ

متراffد های درس اول :

ذات=صاحب * صارت=اصبحت * خسان=ضرر * ضیاء=نور * جذوة=شررة * مجھد=مجد * رقد=حلق * فائز=ناجح *
بصر=عین * غیم=سحب.

متضاد های درس اول :

ممنوع×مسمح * حزین×مسرور * بعيد×قریب * پیسار × یمین * قبیح×جمیل * بدایة×نهایة * بیع×شراء * ارض×سماء * ایض×اسود *
لیل×نهار * یُخرج×بدخل * نهیا×آخرة * سرور×خزن * کثرة×قلة * قلیل×کثیر * زرع×حصد * ازادل×افاضل * تعیش×تموت *
غالیة×رخصة

جمع مُكسّر های درس اول :

احادیث=حدیث * الوان=لون * آیجم=نجم * دُرر=در * عقارب=عقرب * چبال=جبال * انعم = نعمه * افاضل=افضل * ارادل=اردل *

احجار=حجر * ملابس=ملبس * غصون=غضن

فعل های درس اول :

أنظر = فعل امر یعنی نگاه کن * آوجَدَ = فعل ماضی یعنی پدید آورد * زان = فعل ماضی یعنی زینت داد * شَقَّ = فعل ماضی یعنی
شکافت * جَهَّزَ = فعل ماضی یعنی مجهز کرد * ظَمَتْ = فعل ماضی یعنی رشد کرد * يُخْرِجُ = فعل مضارع یعنی خارج می کند * ابَحَثَ =
فعل امر یعنی جستجو کن * صَارَ = فعل ماضی یعنی شد .

قواعد درس اول :

کلمه به سه نوع تقسیم می شود : 1- فعل 2- اسم 3- حرف

در زبان عربی از نظر زمانی فعل : 1- ماضی 2- مضارع 3- امر 4- نهی و
در سال های گذشته با صرف 14 صیغه ماضی و مضارع و 6 صیغه امر و نهی آشنا شدید.

-هر کدام از افعال و بیژگیهای خاص خود را دارد. مثلاً فعل ماضی : از ریشه فعل + ضمیر متصل فاعلی تشکیل می شود .
مثال ذهبوا ← ← ذهب + و

فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت می کند و با " ما " منفی می شود .

اینک نمونه کامل صرف فعل را در جدول زیر نگاه کنید : ↓↓↓↓↓

جدول ضمایر و افعال ماضی و مضارع و امر و نهی در زبان عربی

شخص	نهی	امر	مضارع	ماضی	ضمیر
			ذهب	ذهبت	من = أنا
	لَا تذهب	إذْهَبْ	تَذَهَّبْ	ذَهَبْتَ	تو = أنتَ
	لَا تذهبِي	إِذْهَبِيْ	تَذَهَّبِيْ	ذَهَبْتِ	تو = أنتِ
			يَذْهَبْ	ذَهَبْتَ	أو = هو
			تَذَهَّبْ	ذَهَبْتَ	أو = هي
			تَذَهَّبْ	ذَهَبْتَنا	ما = نحن
	لَا تذهبَا	إِذْهَبَا	تَذَهَّبَانْ	ذَهَبْتَمَا	شما = أنتُمَا
	لَا تذهبُوا	إِذْهَبُوا	تَذَهَّبُونْ	ذَهَبْتُمْ	شما = أنتُمْ
	لَا تذهبَا	إِذْهَبَا	تَذَهَّبَانْ	ذَهَبْتَمَا	شما = أنتُمَا
	لَا تذهبِينَ	إِذْهَبِيْنَ	تَذَهَّبِيْنَ	ذَهَبْتُمْ	شما = أنتُمْ
			يَذْهَبَانْ	ذَهَبَتَا	آنها = هُما
			يَذْهَبُونْ	ذَهَبْتُوا	آنها = هُنْ
			تَذَهَّبَانْ	ذَهَبَتَا	آنها = هُما
			يَذْهَبِنَ	ذَهَبَتِنَ	آنها = هُنْ

فعل مضارع:

از حروف تینا یا اتین در ابتدای آن استفاده میشود.

از فعل ماضی ساخته میشود.

برای منفی کردن فعل مضارع از کلمه (لا) استفاده میکنیم.

بر حال و آینده دلالت میکند. (اگر سین یا سوف به اول آن بیاوریم فقط بر آینده دلالت میکند.

سین برای آینده نزدیک و سوف برای آینده دور به کار می رود .

مثال: علی یک ساعت دیگر خواهد رفت سیَذَهْبُ علی و یا اگر رفتن علی در زمان دور یا نامشخص است : سوف یذَهْبُ علی

آخر آن حتما ضمه یا نون میگیرد:

يَقْعُلُ - تَقْعُلُ - أَفْعُلُ - تَأْفُلُ ▶ ضمه میگیرند

يَقْعَلَانِ - يَقْعَلُونَ - تَقْعَلَانِ - تَقْعَلُونَ ▶ نون میگیرند فعل امر برای امرکردن به مخاطب به کار می رود و بر انجام کاری دستور میدهد.

فعل امر:

فعل امر از شش صیغه مضارع مخاطب ساخته میشود و حروف تینا از اول مضارع حذف میشود .

فعل امر اولش همزه امر دارد که آن همزه، ضمه یا کسره دارد.

اگر حرف سوم فعل مضارع فتحه یا کسره داشته باشد (الف) اول کلمه کسره میگیرد و اگر حرف سوم فعل مضارع ضمه داشته باشد (الف) اول کلمه ضمه میگیرد و آخر آن ساکن میشود یا نون آخر آن حذف میشود (غیر از نون جمع مونث که پاک نمیشود)

مثال: تَكْتُبُ ← أَكْتُبُ

تَقْعُلُ ← أَفْعُلُ

تَكْتُبَيْنَ ← أَكْتُبَيْ

* حرکت الف اول کلمه بر مبنای حرکت حرف سوم فعل مضارع مخاطب مشخص میشود.

فعل های يَقْعَلَانِ - يَقْعَلُونَ - تَقْعَلَانِ - تَقْعَلُونَ - تَقْعَلَيْنَ -

هنگام امر ساختن نون آخرشان حذف میشود.

* در ساخت فعل های امر فعل هایی که مقابل - ن- آنها (الف) و (ی) و (واو) باشد - ن- حذف میشود

فعل نهی :

نهی کردن یا بازداشتمن از کاری را نشان می دهد.

همان فعل مضارع مخاطب است با این تفاوت که وقتی " لانهی " بر سر آن می آید، اگر آخرش حرکت ضمه باشد تبدیل به ساکن می شود و اگر نون داشته باشد ، نون آن حذف می شود (مجزوم شدن اصطلاحی است که برای تغییرات آخر فعل مضارع پس از آمدن لانهی بر سر آن به کار برده می شود).

اسم:

اسم : به کلمه ای گفته می شود که معنای مستقل دارد اما بر زمان خاصی دلالت نمی کند.

اسم از نظر جنسیت یا مذکور است یا مونث که علامت " ة " ویژه مفرد مونث است.

- از جمله ویژگی های اسم می توان به این موارد اشاره کرد : ۱- " ال " هر کلمه ای ال داشته باشد، اسم است.
- " تنوین " ۳- اسم های خاص افراد و مکان ها و ۴- ضمایر ، اسم هستند. ۵- اسم های اشاره ۶- هر کلمه ای که " ة " داشته باشد ، اسم است.

اسم از نظر عددی : ۱- مفرد ۲- مثنی ۳- جمع

- " ان " علامت مثنی است و " وَنَ " علامت جمع مذکر سالم و " ات " علامت جمع مونث سالم است.
- جمع مُكسّر علامت خاصی ندارد فقط شکل مفرد کلمه شکسته می شود یا به هم می ریزد.

نکات کلیدی درباره اسم :

* نون مثنی همیشه کسره داره یعنی اخر کلمه مثنی ان است به همین دلیل کلمه ای مانند رحْمَان که رحْمَان . رحْمَان .
اسم مثنی نیستند.

* جمع غیر عاقل برابر مفرد مونث است .
مثل کُتب جمع غیر عاقل است یعنی جمع اشیاء یا جمع غیر انسان است، و با آن مانند مفرد مونث برخورد می شود: "هذه كُتب"

بنابراین ضمیر و اسم های موصولی که برای کُتب میادم مفرد مونث میاد.

حروف :

حروف کلمه ای است که معنای مستقل ندارد و در کنار اسم یا فعل معنادار می شود. مثل : " فی - مِن - عَن - لِ - بِ - إِلَى - عَلَى "

تمارین :

1) كَمِيلْ تَرْجِمَةُ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ.

- 1) ﴿ وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرِينَ﴾ وَ بِرَاهِيْ مِنْ يَادِ نِيكُو در " میان / خاطر دیگران قرار بده "
- 2) ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ تَقُولُنَّ مَا لَا تَفْعَلُنَّ إِنْ كَسَانِي كَه ایمان آورده اید ، چرا چیزی را می گویید که بدان عمل نمی کنید ")
- 3) ﴿ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا إِنَّمَا تَعْمَلُونَ عَلَيْمٌ وَ كَارِ نِيكُو " انجام دهد قطعاً من به آنچه انجام می دهد آگاه هستم .)
- 4) ﴿ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ پَرَورِدَگاراً، مَارَا با قوم ستمکار ،قرار نده ")
- 5) ﴿ لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ كَثْرَةِ حَسْبِهِمْ ... وَ لَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ . به بسیاری " نماز " و روزه شان و بسیاری حجّ گزاردن " آنها ننگرید " بلکه به " راستگویی " و امانتداری آنها بنگرید .)
- 6) ارْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ . به کسی که در زمین است " رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند .)
- 7) أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ . دانش را طلب کنید گرچه " در چین باشد " زیرا طلب دانش " واجب دینی است .)

2) اقرأ الأحاديث التالية ثم عِنْ ترجمتها الصحيحة.

1. اعْمَلْ لِذُنْبِيَّكَ كَلَّكَ تَعْيِشُ أَبْدًا وَ اعْمَلْ لِآخْرِتِكَ كَلَّكَ ثَمُوثُ عَدًا . برای (دنیابت/ دنیا/) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی/ لذت می بری/) و برای آخرتت چنان کار کن گویی (فردا می میری/ نزدیک است بمیری/).
2. انْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْتَظِرْ إِلَى مَنْ قَالَ . به آنچه گفته است (بنگر/ می نگرم/) و به آن که گفته است (ننگر/ نمی نگرم/) .
3. إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلَنْ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ . هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی برسند/ گرامی شوند/) ، شایستگان هلاک می شوند .
4. مَنْ زَرَعَ الْعُدُوانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ . هرگس (دشمنی/ دوستی/) کاشت ، (زیان/ سود/ درو کرد .
5. الْكَلَامُ كَالَّوَاءِ، قَلِيلٌ يَنْفَعُ وَ كَثِيرٌ يَنْفَعُ . سخن مانند داروست . انگش (سود می رساند/ شفا می دهد/) و بسیارش کشند است .
6. إِذَا قَدِرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْعَلْ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُرْبَةِ عَلَيْهِ . هرگاه بر (دشمنت قادر شدی/ دشمن را شکست دادی) بخشیدن او را شکرانه ی قدرت یافتن یر او (قرار می دهی/ قرار بده/)
7. قَوْلُ « لَا أَعْلَمُ » نِصْفُ الْعِلْمِ . گفتن (می دانم/ نمی دانم/) نیمی از دانش است .

3) ضع في الدائرة العدد المناسب . «كلمة واحدة زائدة»

1. الشَّرَرَة 70 من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأبيض .
2. الشَّمْسُ 20 جَذْوُهَا مُسْتَعِرَّةً، فيها ضياءً و بها حرارةً مُنْتَشِرَةً .
3. الْقَمَرُ 30 كوكب يدور حول الأرض، ضياءً من الشمس .
4. الْأَنْعَمُ 50 بُخارٌ مُنَرَّاكِمٌ في السماء ينزل منه المطر .
5. الْغَيْمُ 60 من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة .
6. الْفُسْتَانُ 10 قطعة من الثغر .
7. الدَّرَرُ

4) ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب ثم ترجمها.

هؤلاء فائزات / هذان الدليلان / تلك البطارية / أولئك الصالحون / هؤلاء الأعداء / هاتان الزوجاتان

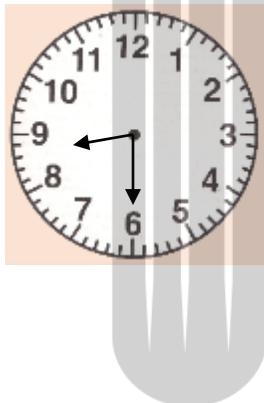
مفرد مؤنث	متثنى مذكر	متثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر مكسّر
هذان الدليلان	هاتان الزوجاتان	أولئك الصالحون	هؤلاء فائزات	هؤلاء الأعداء	جع مذكر مكسّر

5) ضع المترادفات و المتضادات في مكانها المناسب. = #

ضياء / نام / ناجح / مسرور / قريب / جميل / نهاية / يمين / غالبة / شراء / مسموح / مجد

رجينة # غالبة	رأسيب # ناجح	يسار # يسار	# مسرور	حزين # ناجح
بيع # شراء	بداية # نهاية	بعيد # قريب	= مجد	مجتهد
رقد = نام	قيبح # جميل	نور = ضياء	# مسموح	ممنوع

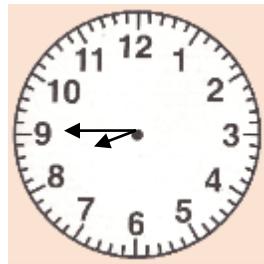
6) أرسم عقارب الساعات.



الثانية والنصف



الخامسة والربع



الثانية إلا ربعا

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

